

چند کلمه راجع به لفظ و یک کلمه راجع بمعنی

کلمه ارتش از کلماتیست که گویا در حدود ده دوازده سال پیش توسط کمیسیون فرانسوی مرکب از دانشمندان و منعمد در وزارت جنگ برابر کلمه (آرمه) فرانسوی وضع شده و برای کلمات سپاه و لشکر که ممکن بود یکی از آندو اختیار شود همان کمیسیون معانی خاصی نظامی قائل شد.

ارتش در دوره ساسانیان معمولاً بشکل آرتشتاران مستعمل بود و این لفظ مرکب است از دوریسه جزء اول که ارت باشد بر میگردد به (رتبه) یا (رده) و آن بمعنی چرخ میاید و همانست که اکنون اراده میگوئیم. جزء دوم یعنی (شتاران) معادل همانست که کلمه (داران) میسرساند پس مفهوم واقعی آرتشتاران میشود بر پا دارندگان و رانندگان اراده جنگی در طی زمان مفهوم این لغت تعمیم و آرتشتاران در عصر ساسانیان به کلیه سپاهیان اطلاق گردید و فرمانده کل سپاهیان را هم بهمین مناسبت آرتشتاران سالار نامیدند.

پس بموجب توضیح فوق کلمه ارتش بمعنی سپاه و لشکر گویا درست میباشد چه ارتش از روی این موازین بمعنی اراده است بقید اینکه حرف ش هم در آن نباشد زیرا ش در واقع از جزء دوم است.

با وجود این توضیح مقصود تغییر یا اصلاح یا حذف لفظ ارتش نیست زیرا درین چند سال استعمال شده و حق آب و گل پیدا نموده و در کتب قوافین و تاریخ و ادبیات ما جا گرفته است چیزیکه درینموقع میشود اظهار داشت اینست که علی الاصول این لفظ بصورت جامد وضع شده و درست مقابل کلمه (آرمه) فرانسویست بنا بر این ساختن اشکال تازه ازین کلمه با وصل حروف و غیر آن درست نخواهد بود. بحکم این قاعده شکل (ارتشی) هم که برخی از آقایان نظامیان (نه ارتشیان!) در نوشته های خود ضمن جمله هائی نظیر: مهمات و لوازم ارتشی - از نقطه نظر ارتشی - اهمیت ارتشی... می نویسند صحیح نیست در چنین مواردی باید گفت: مهمات و لوازم نظامی از نظر نظامی... اهمیت نظامی الخ از کلمه (آرمه) فرانسوی هم نمیتوان مشتقات ساخت که آنهم جامد است

مثلاً ممکن نیست برای مفهوم نظامی (آرمه ٹیک) گفت بلکه در چنین موقعی (میلیمتر) میگویند . . الخ . و ما هم نمیتوانیم ارتشی کوئیم و باید ما باختلاف موارد جنگی یا نظامی یا لشکری کوئیم . خلاصه اینکه ارتش بهمین شکل و برای يك مفهوم وضع شده و هیچ شکل دیگر از آن نباید ساخت .

اگر در آینده مجالی و توفیقی دست دهد از اینگونه مطالب راجع بالفاظ باز هم ممکن است بمرض خوانندگان محترم برسد بالاخره الفاظ قالب معانی است و معنای درست لفظ درست میخواید از آنطرف هم پیداست که الفاظ و کلمات و عبارات علائم و اصواتی بیش نیست و عمده مقصود معنی است پس بهتر است در این موقع هم معنی را در نظر بگیریم در کلمه ارتش اگر جای سخن باشد در مفهوم و معنی ارتش جای سخن نیست . ارتش ایران مدافع مقدسترین منافع ایرانت . دین و آئین و ناموس و هستی کشور در پناه دلیران ارتش از تجاوز دشمنان مصون تواند بود . افسران و سربازان ایران برای این هستند که عملتی در پناه آنان شبها براحت بخوابند در روزها بفرشتگی کار بار خود رود بداند که حقوق حقه او چه از لحاظ داخله و چه از لحاظ خارجه در سایه حمایت ارتش از هر نوع تعدی و تجاوز در امان و قانون و عدالت او را در سراسر کشور پشتیبان خواهد بود . نگهبان واقعی مردم از شهری و دهاتی و عشایر و طوایف ارتش است و افسران ارتش در هر موردی بنحوی باطلقات کوشش میکنند این سامان تماس پیدا میکنند . از این لحاظ ارتش مسئولیتی بزرگ دارد زیرا میتواند در طالع کشور مؤثر گردد . معنی واقعی ارتش همین است که بی باین مسئولیت عظیم بپر دوازور خود را تنها برای دفاع از حق و مبارزه بر ضد باطل بکار برد و هیچگاه و هیچگونه سوء استفاده از نیروی خود ننهد . و در عملیات خود حق و حقیقت و مصالح عالیله ملک و ملت را وجه مهمت سازد و در برابر دشمنان خارجی هدفش نجات میهن و صیانت پرچم و حفظ شرافت و در برابر فساد و شهوات و خود پرستی های داخلی شعارش تقوا و مردانگی و خودداری و فتوت باشد .

شعار ارتش ما باید همان باشد که سعدی فرمود :

درون مردمی چون ملک نیکنم محضر برون لشکری چون هزبران جنگی

و قرآن مجید فرمود : اشداء علی الکفار رحماء بینهم .